

تقصیر اللطائف

مجموعہ جوہر کلامی ریاضی اسلامی

جلد اول

پرویز خطیبی

www.KetabFarsi.com

تقصیر اللطائف

مجموعه چو درهائی ری سلا
جمہوریائی

جد اول

باہتمام : پرویز خطیبی

لوس آنجلس نیشنل پبلشرز
۱۳۶۴

www.KetabFarsi.com

مقدمه

کتابی که در دست شما است، مجموعه‌ای از طنزهای سیاسی هفت سال اخیر و ساخته و پرداخته مردمی است که طعم تلخ حکومت جمه‌سوری اسلامی را چشیده‌اند، روایتی است از زنان و مردانی که در جوار ختنای وزیر رگبار گلوله، نفرت و انزجار خود را از حاکمان جبار و مکار و غاصبان و دزدان حقوق فردی و اجتماعی ملت ایران ابراز میکنند.

تردیدی نیست که قلم، همواره برای مبارزه با زشتی‌ها و سیاهکاری‌ها حربه مؤثری بوده و شاهان و نویسندگان در نبرد با قدرت‌مندان نقش مهمی ایفا کرده‌اند. چنانچه در طول تاریخ هرگاه شاعری سلاح طنز به دست گرفته و بر دشمن تاخته، توفیق بیشتر نصیبش شده زیرا، زبان طنز زبان کنایه و استعاره بیش از هر زبان دیگر در میان افراد جامعه، بخصوص افراد عامی و کم سواد هواخواه دارد و نقل سینه به سینه لطیفه‌ها، دوام و بقا آنها را تضمین میکند.

سعی ما برای این بوده است که در این مجموعه از لطیفه‌هایی استفاده کنیم که خواندن و یا نقل آنها در هر محفلی امکان پذیر و خالی از اشکال باشد و گرنه حکایات و روایات زیاد است و در این مورد نیازی به توضیح بیشتری

نیست .

اینک بی مناسبت نمیدانیم تا قسمت هائی از نوشتهء فاؤلانہء استاد عباس اقبال را کہ در بارہء (عبیدزاکانی) شاعرنا مدارا ایران و شرح زندگی و آثارش نگاشته اند نقل کنیم . استاد اقبال مینویسد :

در جا معہئی کہ اکثریت افراد آن تعلیم نیافتہ و از نعمت رشد اخلاقی نمیبی کافی نداشته باشند و بر اثر توالی فتن و ظلم و جور و غلبہء فقر و فاقہ در حال نکبت سرکنندخواہی سخواہی زمام ادارہ و اختیار امور ایشان بہ دست چندتن مردم مقتدر و طرار و خودرایی کہ جز جمع مال و استیفای حظ ہای نفسانسی مقصد و منظوری ندارند می افتد .

این جماعت کہ در راہ وصول بہ آمال خود مقید بہ هیچ قید اخلاقی و مراعی ہیچگونہ فضیلتی نیستند چون مقتدر و متنفذ شدند و اختیار جان و مال و عرض و ناموس افراد زیر دست را بہ استبداد و غضب بہ کف آوردند ، ہر کہ را ببینند دم از فضاثل اخلاقی میزنند یا مردم را بہ آن راہ میخوانند و چون با مذهب مختار ایشان دشمنی و عناد میورزند آنہا را از میان بر میدارند یا بہ توهین و تحقیرشان میپردازند . نتیجہء این کیفیت آن میشود کہ بہ اندک زمان اہل فضیلت و تقوی یا مہجور و بلا اثر میمانند یا از بیم جان و بہ امیدنان مذهب مختار مقتدرین و متنفذین را اختیار مینمایند .

به این ترتیب بتدریج رقم نسخ بر اخلاقیات
 و فضائل کشیده میشود و این جمله حکم مذهب
 منسوخ پیدا میکند، علما و قضات و عدول و شحنة
 و حاکم و عس که با ید مردم را بر راه راست
 و درست هدایت کنند و آ مرین به معسروف
 و ناهیان از منکر باشند به مذهب مختار را مسرا
 و سلاطین میگردوند و از آن باکی ندارند که کسی،
 زبان به طعن و لعن ایشان بگشاید و راه و روش
 آنها را خلاف سیره، مرضیه، گذشتگان بدانند چه
 به عقیده، این گروه را هدایت آن است که
 انسان را بالفعل و به فوریت به سرمنزل
 مقاصد آنی و به شاهد مطلوبهای مادی و نفسانی
 برساند، ظلم و بیعدالتی و غصب و شکستن عهد
 و پیمان و نقض قول و قسم، در مذهب این چنین
 مردم، خود از وسائل کامیابی است.
 مطالعه تاریخ ایران در دوره فترت بین
 مرگ سلطان ابوسعید آخرین پادشاه سلسله
 ایلخانی و استیلای امیر تیمور گورکان متضمن
 شرح هرج و مرج عجیبی است که در این ایام
 در ایران پیش آمده بود، حتی صالح ترین
 افراد، آمدن خونریزی باکی مانند تیمور
 را به دعا و به جان و دل از خدا میخواستند.
 عموماً حال افسردگی و برآشفتنگی چنین مردمی
 در چنان اوضاع و احوال، به یکی از دو صورت
 ظاهر میشود، یا بروض پسندیده، گذشته تا سف
 میخورند و بر تبدیل آن به وضع ناگوار زمان
 خود گریه و ندبه سر میدهند و یا آنکه بر بیخبری و

و حماقت و کوتاه بینی معاصرین خود میخندند
 و در همه حرکات و سکنات و با دو بیروت ایشان
 به چشم سخریه و استهزاء مینگرند:
 اما نجا پدیدداشت که این خنده نشانه
 رضا و از سر موافقت است بلکه خنده تسرحم
 و استهزائی است که از سر پای آن حس انتقام
 جوئی نمایان است.
 کوره رنج و الم ، انسان را خواهی
 نخواهی به خنده و شوخی و طیبت و هزل میکشاند
 تا حال او خوش شود و دل شیدای او قلیل مدتی
 از درک غم و اندوه غافل بماند.
 ... در عصر عبیدزاکانی یک عده از فضلا و عقلا ،
 رندی و قلاشی را پیشه کرده و به زبان هزل و طنز
 خرابی زمان و فساد را انتقاد مینموده اند . و
 حال آنکه دیگران جرات و جسارت آنرا
 نداشتند که مقتدرین زمان و اوضاع و احوال
 آن زمان را انتقاد کنند .
 مولانا عبیدزاکانی در رساله تعریفات خود
 ، ماه رمضان را (هادم اللذات) و شب عید آنرا
 (لیلہ القدر) و امام را (نماز فروش) و وعظ
 را به معنی (آنچه بگویند و نکنند) تعریف کرده
 است .



کتیبه‌ئی در خرابه‌های جماران

حدود یکصد سال دیگر، باستان‌شناسان کتیبه‌ئی را در خرابه‌های جماران از زیر خاک بیرون میکشند که بر روی آن، این جملات بزبان عربی حک شده است :

منم روح الله، دشمن جان خلق الله، که کردم روزگار همه سیاه، با نام الله، دیدند پیروان عکس مراد را ماه، منم ساقط کننده، شاه که آمدم از راه و انداختم همگان را از چاله به چاه .
 منم امام، امام کامل و تمام، سرکوب کننده صدام، آره ارواح بابام، که میدهم پیام از صبح تا شام همراه بادشنام، به خواص و عوام، منم که برگزیدم خبره‌گان و ساختم مجلس آخوندان، و برقرار کردم (سا و اما) برای ادب کردن بندگان خدا، و آفریدم کمیته‌ها را جدا جدا، تا در نیاید از کسی صدا، بدرستی که من سفره، عدل الهی گستردم و هزاران نمک به

حرام پروردم، ایران زیروزبرکردم و جنگ و
 فقر و مرض آوردم، پس درود و دروغ بر من باد،
 چندانکه (اهورا دزدان) پشتیبان من اندونسا
 خدایان کشتیبان من، حزب الله نیز یار شما
 باشد.

به آیندگان بگوئید که سوزاندم نامه آییندگان
 را و سوزاندم شاهنامه را، چه پندار زشت...
 گفتار زشت... و کردار زشت آئین من است،
 (شت هویزر) پشت و پناهم باد

۱۴۰۰ هجری قمری - امام ۱۳

کلمات قصار

آفت الله غير منتظره (گربه نره)

اگر خدای نکرده، زبونم لال، این انقلاب با شکست روبرو شود ما مجبور شدیم بزنییم بچاک جعده، بهترین جا آفریقا است چون آدمخورها فقط آدم میخورند و کاری به ما ندارند.

XXXXXXXXXX

کسانی که پشت سر (رهبر) حرفهای بدمیزنند، روز قیامت به جهنم میروند و در آنجا با حضرت امام و یاران شان محسور خواهند بود.

امام ما، هرگز نمی میرند چون عزرائیل را، در جبهه های جنگ مشغول نگهداشته اند.

روحانیت مبارز وجودش خیلی لازم است. زیرا اعمامه بیست ذرعی هر روحانی میتواند برای بیست نفر از مستضعفین تنبان شود.

شما امت حزب الله وظیفه دارید که عکسهای

امام را بسوزانید که بدست خدا انقلاب نیفتد .

ما با اهل کتاب ، یعنی اقلیت های مذهبی که کتاب دارند کاری نداریم ، اول کتابشان را میسوزانیم بعد خودشان را .

نقل است از امام کاذب که اگر کسی در حمام زنانه (سنجد) بخورد و یا روی سنگ پا بنشیند ، شیاطین و اجنه در جسمش حلول کنند و اولادانش ، حقوقدان و روشنفکر و خدا انقلاب از آب درآیند .

در حدیث امام جماران هست که : چند چیز نشانه شوم بودن است ، کسی که از آزادی میگوید ، زن یا مردی که عکسهای ما را پاره پوره یا با باقوری میکند و جوانی که حاضر به خوردن شربت شهادت ، رفتن به جبهه جنگ نیست .

تمام ماهی های آزاد بندر خمینی (بندر شاه سابق) روزی سه مرتبه سرشان را از آب بیرون میآورند و فریاد میزنند : حزب فقط حزب الله ، رهبر فقط روح الله .

به رئیس مجلس اسلامی توصیه کرده ام که چندتا
(پوزه بند اسلامی) از طریق مناقصه بخرند و بیه
دهن نمایندگان محترم ببندند تا اضافه بر
(کوپن) فضولی نفرمایند.

از این بی‌عذر موقع اقامه نماز وحشت آفرین
و دشمن شکن جمعه، نمازگزاران بهتر است بنا
کفش نماز بخواهند چون در چند هفته اخیر، این
ضدانقلاب ناکس کفشهای مؤمنین را به سرقت
برده و کار دست داده.

هیچکس نمیتواند از دستورات دولت اسلامی ما
سرپیچی کند، من از دادستان انقلاب میخواهم
که (لامپ) و (سرپیچ) را تحت تعقیب قرار بدهد

ما الساعة شاخ دوسه تا از ابر قدرت‌ها را شکستیم،
ما حالا خودمان (عبا قدرت) هستیم.

شما مردم صبور، بحمد الله از تصدق سرجمه‌پوری
(اس اس لاسی) ما به همه چیز حتی فقر و گرسنگی
و مرض رسیده‌اید و این برای اسلام و مایک فتق
بزرگ است.

به ما ایراد میگیرند که چرا با دولت اطریش ...
روابط حسنه داریم ، دلایلش اینست که اطریش
مثل خود ما (ریش) دارد . (انشاء الله در آتیه
با دولت تجریش هم روابط گسترده تری برقرار
میکنیم) .

بعد از انتشار کتاب معروف (پاسخ به تاریخ)
حضرت امام هم لاج کردند و یک کتاب پاسخ
به جغرافیا مرقوم فرمودند که قرا را است بزبان
(انگلیسی) منتشر شود .

از بسکه این امت همیشه در صحنه عکس (آقا) را ،
به گردن سگها آویزان کردند حالا دیگه سگها هم
برای خودشان کسی شده اند .

ما از تصدق سرآمریکای جهانخوا رطیاره های
جدیدی داریم که بنزین لازم ندارند و کوکسی
است ، کوش هم که نکنیم توی باکش بجای
بنزین (الله اکبر) میریزیم .

در اسلام شکنجه وجود ندارد ، اگر هم خداوند
بخواهد ملت را شکنجه کند ، برایشان انقلاب
اسلامی میفرستد .

بیروزی انقلاب



عده‌ئی از این سگهای ولگرد پیش ما آمدند و گفتند علت اینکه ما در حزب جمهوری اس اس لام اسم نویسی نکردیم اینست که الاغهای گرامی به ما سگها مهلت ندادند، تا چشم بهم زدیم جای خالی نبود.

میپرسند چرا هر کجا که کلمه «ملی» (ملی) بوده مشمول پاکسازی شده جز بانک ملی؟ آخه با با چون ... همون روزهای اول آیات عظام موجودی این بانک را، طبق ضوابط اسلامی (ملی) کردند.

ما و (قذافی) و (حافظ عسل) سه تائی با هم یک ساندویچ اسلامی تشکیل دادیم که هر کس آنرا بخورد میرود پیشواز (خرس سفید).

از من پرسیده اند که: کجا رترجها نخوار تر بودیا (ریگان)؟ جواب ما اینه که: کجا رترجیسیلی جهانخوار بودولی ریگان یک کمی جهانخواره

چینی ها میخواستن دبه ما طیاره های جنگی بدهند ولی ما قبول نکردیم چون ممکن است دوتا از این طیاره ها بخورند بهم و بشکنند.

رهبر انقلاب و بنیادگذار جنگ تحمیلی

ولاکن در آیه شریفه آمده است که (نون والقلم) یعنی نون مردم را که آجر کردی پاهاشان را قلم کن، ما هم همین کار را کردیم.

الان اگر در این شهر شبها یک کمی تاریک است مال این است که این روشنفکرها کم شده اند. ما با این همه شمع و پیه سوز و چراغ (انگلیسی) روشنفکر میخواستیم چکار؟ برن گم شن اینها.

اصلش من از این حروف انگلیسی خوشم میآید مخصوصاً از حرف (اس) که منظور همین اسلام است، این حرف (لام) فارسی را هم اگر کنار (اس) انگلیسی بگذارید میشود اسلام خودمان.

الان این آقایان روسها هم از ما وحشت دارند و از ترس ما، روزهای یکشنبه در کاخ کرملین نماز وحشت آفرین (جمعه) میخوانند.

آنها که از جنگ بدگویی میکنند با اسلام نیستند مردم ایران سابقاً سالی یکبار حجامت کرده و

خون می‌گرفتند، حالا ما داریم مفت و مجانی
 حجامتشان می‌کنیم و خونشان را می‌مکیم .
 در مقابل روحانیت مبارز (دراکولا) کیه . . ؟
 توی دهنش می‌زنم من .

ضدانقلاب شایع کرده بود که فلانی سواد و خط و
 ربطی ندارد و اگر خطش را توی آفتاب بگذارند
 از دیوار بالا می‌رود، بحمد الله دیدید که این خط
 ما نبود که از دیوار سفارت آمریکا بالا رفت بلکه
 پیروان خط ما بودند .

اگر عمری باشد این شاه حسین اردنی راه‌هم
 سمبل می‌کنیم ما و احمد آقای ولیعهد را بسه
 اردن می‌فرستیم تا ترتیب طلاها و جواهرات
 ملت اردن را بدهد .

این فرنگی‌ها، یعنی این موسیقی دانه‌های
 فرنگی دائم از (کلیدسل) حرف می‌زنند
 ما در مقابل کلیدسل اینها، کلید در بهشت
 را اختراع کردیم، تا کور شود هر آنکه نتواند
 دید چه وجه و چه چها

این فیلم (گا و) را ما دیدیم و پسند کردیم . .

از این ببعدهر کس به گاو توهین کند، انگار
به خود ما توهین کرده است .

وقتی یک (آیت الله) زیر کرسی نشسته، باید
آیت الکرسی بخواند ولی اگر همین آیت الله
کنار بخاری نشسته باشد باید (آیت البخاری)
بخواند، خود ما هم که بغل شواژ هستیم دائما
(آیت الشواژ) میخوانیم .

ضدانقلاب شایع کرده است که در گرمای گرم جنگ
وزد و خورد با صدام کافر، اربابها هم مشغول
پاکسازی چاه های نفت هستند، ما نفت به چه
دردمان میخورد، ما اسلام عزیز را میخواهیم
و شما هم بهتر است بجای نفت در چراغ (اسلام)
بریزید .

این جواهرات سلطنتی را، برای آنکه بدست
ضدانقلاب نیفتد، احمد آقا به کمک روحانیت
مبارز به (نیس) برده و به بانکهای معتبر آنجا
سپرده، بنا بر این وظیفه شرعی امت حزب اله
این است که هر کس سوال کرد جواهرات کجاست
بگویند (نیس) یعنی نیست .

ولاکن این مردم اصلا بخارندارند، تنها روزی که دیدم اینها تکان خوردند روزی بود که زلزله آمد، غلط نکنم این زلزله راهم آمریکا فرستاده بود.

این پاسدارها، دیروز یکنفر را دستگیر کردند، پرسیدم آنها مش چیه گفتند (نشا کا ذیب). توی خیابانها راه میرفته و فریاد میزده که: جمهوری اسلامی ایران بهترین حکومت دنیا است.

ما برای اینکه (ایز) به گربه گم کنیم، مخصوصا از راه پاریس و باطیاره (ارفرانس) آمدیم و الا، (پان آمریکا) هم برایمان بلیط صادر کرده بود.

به این جاسوسهای ما و ما دستور داده بودم که فقط مذاکرات تلفنی ضد انقلاب را کنترل کند ولی حالامی بینم که به مذاکرات ما و امام غائب هم گوش میدهند، استغفرالله، با اسلام طرف هستند اینها.....

به ما خبر داده بودند که زندانی ها را شکنجه

میکنند در اوین، خودمان رفتیم آنجا تحقیق کردیم این زندانی های محترم تکذیب کرده و منکر شدند، حتی برای پی بردن به حقیقت دادم شکنجه شان کردند اما باز هم کسی لام تا کام حرف نزد.

میگویند از روزی که آخوندها در ایران بر روی کار آمده اند، مملکت پراز شیش شده. و لکن ما برای دفع شیش امشی هم از خسار چه وارد کردیم اما، آیین روحانیون در مقابله شیش کش های آمریکائی (مصونیت) دارند.

توی کتاب جغرافی نویسته اند که بغداد جزو خاک عراق است، ولی نمیدانم چرا تا زگیها بغداد منم خراب شده؟

به ما گزارش داده اند که تا زگی مردم سرگرمی تازه ئی پیدا کرده اند، عده ئی عکسهای ما را پاره پاره میکنند و عده ئی عکسهای پاره (محمدرضا) را بهم میچسبانند.

شنیده ام مرض (هاری) زیاد شده، دستور داده ام دولت و شهرداری به این پاسدارهای محترم واکسن ضدهاری تزریق کنند.

سوالات مذهبی

س - لطفاً بفرمائید این (خط امام) چگونه خطی است؟ خط میخی است؟ خط سیخی است؟ اصولاً در دنیا چنین خطی وجود دارد؟ بنده تمام خطوط اتوبوسرانی را گشتم همه خطی را پیدا نکردم.

ج - برادر، ظاهراً این خط از اولش خط بوده، بعداً (خط) شده ولی حالا دیگر دارد (خط) میشود.

س - در این شرایط که قند و شکر کمیاب است، آقا این همه شکر از کجا میآورد و با آن شربت شهادت میسازد؟

ج - این شکرها را از کسانی میگیرد که از شکر خوردنشان پشیمان شده اند.

س - اگر یک آدم بالغ دستش به یک آخوند بخورد آیا (غسل) کردن بر او واجب است؟

ج - باید حتماً غسل (میت) بکند چون آخوندها در حال حاضر حکم مرده را دارند.

س - آقا در توضیح المسائل نوشته اند که روبه قبله قضای حاجت نکنید، در چنین شرایطی چطور میشود قبله را پیدا کرد؟

ج - یا دتان باشد همیشه در موقع قضای حاجت یک عدد قبله نما همراه داشته باشید.

س - بنده یک حزب انہی هستم که عازم جبهه

جنگ میباشم، لطفاً بجای آوردن مراسم دینی در جبهه را یادم بدهید که ثواب دارد.

ج- فرزندان، پیش از حرکت به جبهه دو رکعت نماز وحشت بخوان، بعد که وارد جبهه شدی همیشه قبل از خالی کردن تیر (الله اکبر، خمینی رهبر) بگو، اگر خواستی در جبهه قضای حاجت کنی حتماً روبه بغداد بنشین ولی از سرو صداهای بی موقع بپرهیز چون ممکن است دشمن کافر خیال کند دست به ضد حمله زده‌ای، زینها رتوی جبهه با (سرنیزه) تطهیر نکن که خطرناک است.

س- وقتی در مجلس اسلامی لایحه‌ای نیست تا آخوندها تصویب کنند، حضرات چکار میکنند؟

ج- یکنفر روضه ابوالفضل میخواند و بقیه گریه میکنند و سینه میزنند.

س- این شیرهای جلوی دربانک ملی هنوز هم شیر هستند؟

ج- بله برادر، منتها (شیر اسلامی) اند چون نه یال دارند و نه کویال و نه دم و نه شکم.

خواب نما

میگویند محمدرضا شاه پهلوی به خواب آقا آمده
 و از او پرسیده :
 - حال و احوالت چگونه ؟
 آقا جواب داده که :
 - و لاکن دست بدلم نگذار که غرق خونه ، ایسن
 امت همیشه در صحنه کارش بجائی رسیده که عکس
 های مرا پاره پاره میکند .
 محمدرضا شاه میگوید :
 - ناراحت نشو ، جریان سقوط مام با پاره
 کردن عکس شروع شد .

شناسائی

وقتی در جریان گروگان گیری (ریگان) سران
 رژیم آخوندی را دیوانه خطاب کرد ، خلفا لسی
 تنها کسی بود که از این موضوع خوش آمد
 و گفت :
 - دیدید گفتم ریگان آدم با هوشی است و همه
 ما هارا ، یکی یکی از نزدیک میشناسد ؟

انگلیس ها

میگویند یکروز در بهشت (مشقاسم) به سراغ
 (دائی جان ناپلئون) میرود و خبر میدهد که

خمینی مرده و او را به بهشت آورده اند .
 دای جان عصبانی میشود و فریاد میزند :
 - قاسم ، بدو برو تفنگ دولول مرا بیا ، این
 انگلیسها توی بهشت هم دست از سرما بـسـر
 نمیدارند .

وحدت

به (گربه نره) خبر میدهند که : چه نشستی؟ عده ئی
 از روحانیون بطور دسته جمعی به سفارت سوریه
 رفته و تقاضای ویزا کرده اند .
 گربه نره سری تکان میدهد و میگوید :
 - دیدی گفتم؟ این روحانیون مبارز در فرار
 کردن هم وحدت و اتفاق دارند .

ارتش ۲۰ میلیونی

هاشمی فسنجونی خدمت امام شرفیاب میشود
 و عرض میکند :
 - ارتش بیست میلیونی که دستور دادید آماده
 خدمت است فقط از بیست میلیون نفر نوزده
 میلیون ونهصد و نود و نه نفرش کم است .

ارزدا نشجویی

موسوی نخست وزیر آقا نزد (گربه نره) جان نشین
 فعلی امام میرود و میگوید

- این دانشجویان خارج از کشور با ضدا انقلاب همکاری میکنند، تکلیف ما با آنها چیه؟
- گربه نره جواب میدهد:
- ارزشونو قطع کنید
- ارزشونو که مدتی است قطع کردیم
- پس طولشونو قطع کنید.

سرگرمی

- مدیر عامل رادیو تلویزیون اسلامی (شرکت پشم و شیشه) به حضور خلیفه جماران میرسد و میگوید:
- قربان، این مردم سرگرمی ندارند، با این همه جنگ و کشتار و بدبختی دلشان میخواهد یک کمی بخندند، اجازه بفرمائید چندتا برنامه تفریحی از تلویزیون پخش بشود.
- خمینی جواب میدهد:
- نوار جلسات مجلس اسلامی را برای آنها پخش کنید، قول میدهم از خنده روده بر بشوند اینها.

چراغ

- رژیم اسلامی، چند سال پیش برای مدتی حرم شاهچراغ را در شیراز مهر و موم کرد و عده شنی پاسدار در مقابل حرم به پاسداری ایستادند.
- یکروز پیرزنی از یکی از پاسداران محافظ حرم

پرسید :

- برادر، چرا در حرم حضرت شاهچراغ را بستین پاسدار جواب داد :
- واسه اینکه به خواهرهای زینب چراغ زده .

طهارت

- خامنه‌ئی (رئیس جمهور نیمه معدوم) مدیر عامل شرکت نفت را احضار کرد و گفت :
- شنیده‌ام نفت و بنزین کمیاب است و مردم در مضیقه هستند .
- مدیر عامل جواب داد :
- خیر قربان ، به سر خودتان قسم آنقدر بنزین و نفت در اختیار ما جد قرار دادیم که آقایان طلاب علوم دینی با نفت و بنزین طهارت میگیرند .

بی سیم

- گربه نره وزیر پست و تلگراف را احضار کرد و به او پرخاش کرد
- مرد حسابی خجالت داره ، شرم آورده
- چی شده قربان ؟
- هفت ساله که انقلاب شده اما هنوز شماها فکری بحال این دستگاه بی سیم نکردید ، هر چه زود تریک چند مترسیم واسه بی سیم بخرید و بهش وصل کنید که آنقدر مردم تکرار نکنند بی سیم

سفر به ماه

شب اول ماه، خمینی احمد آقا را دید که به ماه خیره شده و پشت سر هم صلوات میفرستد، گفت :
 - و لاکن ماهی که آمریکائی های جهانخوار به آن سفر کرده و در آن قدم زده و احتمالاً در همانجا (ادرا ر) کرده اند قابل صلوات نیست، این ماه را کار تر و همدستهایش ساخته اند و با ید پاکسازی بشود.

احمد آقا با سادگی گفت :

- پس اون چیزی که من توی ماه دیدم شما نبودید، فطنه آمریکائیها بود؟

میزان

خبرنگار - (خطاب به مهدی بی زورگان)

- شما روزنامه میزان را منتشر میکردید؟
 - بله بله .

- پس چرا میزان توقیف شد؟

- آخه ساعتش را با ساعت واشینگتن میزنان کرده بودیم .

دهن کجی

لابد میدانید که از یکی دو ماه بعد از انقلاب، رانندگان تاکسی آخوندها را سوار نمیکردند و همینکه یک آخوند به آنها ایست میداد زبان را در میآوردند و دهن کجی میکردند .
 چند روز قبل یک آخوند در خیابان به یک تاکسی

ایست میدهد، را ننده ترمز میکند و میپرسد :
 - حضرت آیت الله کجا تشریف میبرید ؟
 آخوند جواب میدهد :
 - میدان امام خمینی
 - بفرمائید سوار شوید .
 ولی آخوند بجای سوار شدن زبانش را بیرون
 میآورد و میگوید :
 - بیلاخ من خودم پنج تا بنزوسه تا
 تو یوتا دارم .

مگه میتونه ؟

میگویند یکروز احمد آقا با عجله وارد اطاق آقا
 میشود و میگوید :
 - حاج آقا جان خبردارید ؟ رضا پهلوی مدعی
 سلطنت شده و خیال تا جگذاری دارد .
 خمینی پوزخندی میزند و جواب میدهد :
 - دهه ... مگه میتونه ؟ و لاکن تا جش پیش منه .

دستور العمل

گربه نره برای باز دید به کاخ چهل ستون رفت
 و خطاب به مسئولان گفت :
 - بنظر من چهل تا ستون واسه اینجا زیاده ، ،
 بیست تا از این ستونها را ببرید بگذارید زیر
 کوه بی ستون که نه سیخ بسوزنه کباب .



لباس عيد خالجي